

۱. **طولانی‌بودن دوره تحصیل و متن‌خوانی:** طولانی‌شدن بی‌مورد دوران متن‌خوانی، یکی از موانع مهم در مسیر تحصیل طلبه است. شایسته نیست طلاب ناگزیر باشند کتاب‌های قطور و محققانه‌ای را که در حقیقت مربوط به مرحله تحقیق و اجتهاد است، در مراحل مقدماتی و پیش از ورود به این مرحله، به‌عنوان کتاب درسی بیاموزند. کتاب درسی باید حاوی مطالب متفن و دارای زبانی روان و متناسب با نیاز طلبه در دوران محدود پیش از ورود به مرحله تحقیق باشد. تلاش موفق یا ناموفق بزرگانی همچون آیات عظام آخوند خراسانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری و سیدصدرالدین صدر^[۱] برای جایگزین‌کردن کتاب‌هایی چون قوانین، رسائل و فصول با کفایه، درالقوائد و خلاصهٔالفصول، با نگاه به‌همین ضرورت مهم صورت گرفته است؛ با اینکه آنان در زمانی زندگی می‌کردند که طلبه با انبوه واردات ذهنی و تکالیف عملی، مانند امروز، روبه‌رو نبودند.

۲. **عدم اولویت‌بندی در مسائل فقهی و پژوهشی:** فقه باید به سمت موضوعات اولویت‌دار حکمرانی حرکت کند؛ مسائلی مانند روابط دولت با مردم، نظام اقتصادی اسلام، منشأ حاکمیت، مفهوم عدالت و…؛ متأسفانه امروز گاهی محققان حوزه با یک «شیرینی وسوسه‌انگیز علمی»، خود را غرق در مباحث فرعی غیراولویت‌دار می‌کنند؛ درحالی‌که کفر به سبک زندگی اسلامی هجوم آورده است.

ایشان در این زمینه تذکری تکان‌دهنده می‌دهند و می‌فرمایند: اگر هدف از کار علمی، صرفاً اظهار فضل، کسب شهرت و برتری‌جویی در مباحث نظری محض باشد، این کار علمی مصداق دنیاگرایی و تبعیت از هوای نفس **(«اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»)** خواهد بود.

بعد دوم: تربیت نیروهای مهذب، کارآمد و جریان‌ساز

ه در بعد تربیتی و تبلیغی، حوزه چگونه می‌تواند به رسالت «بلاغ‌مبین» عمل کند؟

• **حوزه علمیه نهادی کاملاً برون‌گراست.** وظیفه اصلی آن «بلاغ‌مبین»، دعوت به حق و جهت‌دهی به تمام ابعاد حیات بشر، حتی عرصه‌های نوینی مانند محیط زیست و حمایت از طبیعت است.

امام شهید^[۲] اشاره می‌کنند که با وجود خدمات فراوان، خروجی حوزه در برابر سیل القانات مغالطه‌آمیز دشمن، هنوز به حد «بلاغ‌مبین شایسته» نرسیده است. برای برطرف‌کردن این خلأ، دو عنصر اساسی باید احیا و تقویت شوند:

• **الف) تحول در «تعلیم تبلیغ» (دستگاه مهارتی):** حوزه باید آموزش‌های مهارتی طلاب را در زمینه‌هایی چون قدرت اقناع، تعامل با رسانه و فضای مجازی، رصد شبهات با ابزارهای فنی روز و تهیه بسته‌های اندیشه‌ای کاربردی برای نسل جوان ارتقا دهد.

• **ب) پرورش «مجاهد فرهنگی» و اتخاذ موضع تهاجمی:** ما نباید منفعل باشیم و صرفاً به شبهات پاسخ دهیم. دستگاه تبلیغی حوزه باید به مسلمات فرهنگی انحرافی و رو به انحطاط غرب تهاجم کند و مدعیان گمراه‌ساز را در مسائلی چون حقوق زن و خانواده به چالش بکشد. لازم‌ه این مجاهدت فرهنگی، تهذیب نفس و خودسازی است؛ زیرا تهذیب نفس به‌معنای منزوی‌پروری نیست. اگر مبلغ خود را سسازد و راه را بر وسوسه مال و نام و مقام نبندد، کلامش در دل‌ها اثر نخواهد کرد.

همچنین مطالبه امام شهید، کادرسازی در سه عرصه متمایز است: تربیت طلاب مبلغ برای عرصه عمومی، تربیت نیروهای کارآمد برای وظایف خاص در نظام و اداره کشور و تربیت مدیران توانمند برای اداره مطلوب سازمان بزرگ حوزه.

بعد سوم: حضور در خط مقدم جبهه تقابل با تهدیدهای دشمن (هویت‌جهادی)

ه بعد سوم حوزه پیشرو، «هویت‌جهادی» است. این بعد تاریخی علمای شیعه را چگونه تبیین می‌کنید؟

• **این بعد،** از ناشناخته‌ترین ابعاد حوزه در آذهان عمومی است؛ درحالی‌که کارنامه ۱۵۰ سال اخیر نشان می‌دهد، هیچ حرکت اصلاحی و انقلابی در منطقه رخ نداده؛ مگر اینکه علمای دین در خط مقدم آن بوده‌اند.

نمونه‌های تاریخی ایستادگی علما در برابر بیگانگان بی‌شمار است:

- ابطال قرارداد رویتر با ایستادگی حاج ملاعلی کنی^[۱]،**
- شکست قرارداد تنباکو با حکم تاریخی میرزای شیرازی^[۲].**

- خنثی‌شدن قرارداد وثوق‌الدوله با مبارزه شهید مدرس^[۳].**

- مبارزه مسلحانه با اشغال‌گران انگلیسی در جنگ جهانی اول توسط مراجعی چون آیت‌الله سیدمصطفی کاشانی^[۴].**

- دفاع از فلسطین از همان دهه‌های آغازین توطئه صهیونیسم.**

بنابراین، این تصور که شأن عالم دین صرفاً عافیت‌طلبی و نشستن در گوشه محراب است، با هویت تاریخی حوزه مغایرت دارد.

امام خمینی^[۵] نیز در «منشور روحانیت» به‌شدت نسبت به نفوذ جریان تحجر و مقدس‌مآبی هشدار دادند؛ جریانی که مبارزه با ظلم را منافی با «قدسیت دین» معرفی می‌کردند تا طلاب را منزوی کنند. امروز نیز ترویج این ایده که روحانیت باید «صلح‌کل» باشد و از مخاطرات سیاسی دوری کند، یک توهم باطل و بزرگ‌ترین هدیه به دشمن



است. قدسیت دین با عافیت‌طلبی به دست نمی‌آید؛ بلکه در میدان‌های جهاد فکری، سیاسی و نظامی تثبیت می‌شود.

بعد چهارم: مشارکت در تولید و تبیین نظامات اداره جامعه و «فقه‌امت‌ساز»

ه یکی از کلیدی‌ترین واژه‌های این پیام، «فقه‌امت‌ساز» است.

حوزه چگونه می‌تواند در طراحی نظامات اجتماعی نقش‌آفرینی کند؟

- امام شهید با مطرح‌کردن این بعد اساسی در واقع پاسخ به این شبهه قدیمی را که دین گستردگی پاسخ‌گویی به تمام ابعاد را ندارد و نمی‌توانیم به دین حداکثری قائل باشیم، می‌دهند و مشخص می‌کنند که در حقیقت و در نگاه اسلام ناب، دین حداکثری بوده و قادر است در تمام ابعاد با ابزاری که دارد، مسائل مختلف را حل نموده والگوی اداره را ارائه کند. اداره جامعه نیازمند نظامات گوناگون (اقتصادی، قضایی، تربیتی، خانواده، اداری و…) است. در حکومت اسلامی، این نظامات باید مستقیماً از متون دینی استخراج شوند. فقه شیعه قواعد گسترده و ظرفیت فوق‌العاده‌ای برای پاسخگویی در تمامی این عرصه‌ها دارد. امام راحل^[۱] با نظریه «ولایت فقیه» این باب را گشودند؛ اما طراحی و پیاده‌سازی اسلامی در بسیاری از این نظامات هنوز نافرجام مانده و دارای خلأهای جدی است. پرکردن این خلأها، وظیفه حتمی حوزه است.

امام شهید در این پیام برای نخستین‌بار از واژه کلیدی «فقه امت‌ساز» رونمایی کردند:

- تعریف فقه امت‌ساز:** این فقه محدود به احکام فردی نیست؛ بلکه رسالت آن، ساماندهی به کل امت اسلامی و تمدن‌سازی است.

- گستره جهانی:** این فقه باید سازوکار اداره و پیوند میان تمام ملت‌های مسلمان را در قالب یک «امت واحد» مشخص کرده و بستر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را فراهم سازد.
- الزامات طراحی نظامات اجتماعی:**

- استنطاق از منابع دینی با شناخت یافته‌های روز:** فقیه نمی‌تواند در خلأ نظریه‌پردازی کند. او باید ابتدا ساختارها و دستاوردهای امروز جهان را بشناسد و سپس با ذهنی مجهز به مسائل روز، پاسخ و الگوی جایگزین را از دل کتاب و سنت استخراج کند.

- همکاری واقعی حوزه و دانشگاه:** دانشگاه باید علوم انسانی روز را با نگاهی نقادانه بررسی کند و حوزه علمیه محتوای غنی اندیشه دینی را استخراج نماید تا از تلاقی این دو، شکله نظامات اجتماعی شکل بگیرد.

بعد پنجم: نوآوری‌های تمدنی

در چارچوب پیام جهانی اسلام

ه به پنجمین و برجسته‌ترین محور پیام یعنی «نوآوری‌های

بسیار مهم است. این نگاه، بسیار انگیزه‌بخش، امیدآفرین و مؤثر است. ایشان در برابر تحلیل‌های یأس‌آلود، تصویری واقعی، زنده و بالنده از حوزه علمیه قم ارائه می‌دهند و به نقاط قوتی همچون وجود هزاران مدرس و محقق، رواج درس‌های تفسیر و اخلاق، حضور حوزه در میدان‌های انقلاب و تقدیم شهدا، تربیت طلاب بین‌المللی در جامعةالمصطفی ^[۱]، توجه به فقه معاصر و تأسیس حوزه‌های علمیه خوارهران، به‌عنوان بخشی از حسنات بی‌شمار امام راحل^[۲]، اشاره می‌کنند.

با این حال، برای رسیدن به نقطه مطلوب و کاهش فاصله‌ها، ایشان هشت توصیه راهبردی ارائه می‌فرمایند:

- ۱. پیشرو و همگام‌بودن با زمان:** حوزه باید به‌روز باشد؛ به‌طور دائم با زمان پیش برود؛ بلکه حتی جلوتر از زمان حرکت کند.

- ۲. تربیت نیرو در همه بخش‌ها:** به تربیت نیرو در همه بخش‌ها اهمیت داده شود؛ چراکه مسیر حرکت این ملت و آینده انقلاب را نیروهایی ترسیم خواهند کرد که امروز در حوزه علمیه تربیت می‌شوند.

- ۳. افزایش ارتباط با مردم:** حوزویان رابطه خود را با مردم افزایش دهند و برای حضور فضلالی حوزه در میان مردم و ایجاد رابطه‌ای صمیمی میان آنان برنامه‌ریزی شود.

- ۴. امیدآفرینی و خنثی‌سازی القانات مغرضانه:** مدیران حوزه با تدبیر مناسب، القانات مغرضانه‌ای را که طلاب جوان را از آینده ناامید می‌کند، خنثی کنند. امروز اسلام، ایران و شیعه در جهان از عزت و حرمتی برخوردار است که هرگز در گذشته دارا نبوده است و طلبه جوان باید با این احساس درس بخواند و رشد کند.

- ۵. نگاه خوش‌بینانه به نسل جوان جامعه:** به نسل جوان جامعه با چشم خوش‌بینی نگریده‌ست و با این نگاه با آنان تعامل شود. بخش مهمی از جوانان امروز، با ضریب هوشی بالا و با وجود همه القانات مخرب فکر و احساس دینی، وفادار به دین و مدافع آن‌اند و بسیاری دیگر نیز به‌هیچ‌رو با دین و انقلاب بر سر عناد نیستند. اقلیت بسیار اندک مُعرض از ظواهر دینی، نباید حوزه را دچار تحلیل غیرواقع‌بینانه کند.

- ۶. اصلاح برنامه‌های درسی در سه ضلع:** تقویت فقه (روشن‌بین و پاسخگو)، فلسفه (دارای امتداد اجتماعی) و کلام (رسا و استوار با قدرت اقناع بالا) در پرتو قرآن و تفسیر.

- ۷. حفظ زئی طلبگی:** اهتمام به زهد، تقوا، قناعت، استغنا از غیر خدا، توکل و روحیه مجاهدت.

- ۸. استقلال در صدور مدارک تحصیلی:** تأکید بر اینکه مدرک تحصیلی طلاب را باید خود حوزه صادر کند، نه نهادهای بیرونی؛ البته با معادل‌سازی‌های شناخته‌شده علمی (مانند کارشناس تحقیقی و دکترا) جهت معرفی در مجامع بین‌المللی.

جمع‌بندی و راهکارهای گفتمان‌سازی پیام

ه به‌عنوان سؤال پایانی، برای اینکه این پیام راهبردی از غربت خارج شده و به یک گفتمان زنده در بدنه حوزه‌ها تبدیل شود، چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

- اگر حوزه امروز بیدار نشود و این تحولات را رقم نزند، محکوم به انزوا خواهد بود. برای گفتمان‌سازی این پیام، پیشنهاد می‌کنم اقدامات زیر به‌صورت جدی دنبال شود:

- بازنشر و گسترش محتوای پیام در قالب‌های مکتوب، رسانه‌ای و مجازی.

- برگزاری مسابقات علمی و جریان‌های خوانش گروهی از متن پیام در مدارس علمیه.

- برگزاری همایش‌ها، نشست‌های ایده‌پردازی و نگارش مقالات علمی پیرامون محورهای پنج‌گانه پیام.

- استخراج راهکارهای عملیاتی از دل توصیه‌های هشت‌گانه امام شهید^[۳] توسط نخبگان حوزه و ارائه آن به مرکز مدیریت.

امیدوارم این گفت‌وگو گامی کوچک در جهت نشر این پیام ارزشمند و توجه بیشتر فضلا و طلاب جوان به مسئولیت‌های سنگین تاریخی‌شان باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ملاعلی کنی^[۱]، از علما و روحانیون برجسته عصر ناصرالدین‌شاه، نقش تعیین‌کننده‌ای در مقابله با امتیاز استعماری رویتر ایفا نمود که نخستین امتیاز بزرگ واگذارشده به خارجیان در دوره قاجار بود. این قرارداد به فرمان ناصرالدین‌شاه و با تدبیر میرزا حسین‌خان سپهسالار، حق احداث راه‌آهن، بهره‌برداری از معادن و تأسیس بانک شاهنشاهی را به برونی واگذار کرد. ملاعلی کنی^[۲]، در نامه مفصل و محکمی که به شاه نوشت، مخالفت خود با این قرارداد را از منظر شرعی و ملی اعلام کرد و به‌ویژه به فروش اجباری املاک و منابع کشور توسط شاه بدون اجازه فقها که نافی شرع بود، اعتراض نمود. وی همچنین خطرات ساخت راه‌آهن را که می‌توانست مسیر ورود آسان قشون بیگانه و تسلط آن‌ها بر پایتخت را فراهم آورد، هشدار داد. اثرگذاری نامه ملاعلی کنی چنان بود که ناصرالدین‌شاه پس از بازگشت از سفر اروپا و درحالی‌که هنوز در اترلی بود، میرزا حسین‌خان را عزل و امتیازنامه رویتر را لغو کرد. این واقعه نقطه‌عطفی در مقاومت علمای دینی در برابر نفوذ استعماری و حفظ استقلال کشور بود و راه را برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بعدی روحانیت هموار ساخت.

۲. سیدمصطفی کاشانی^[۱] (متوفای ۱۳۳۷ق) از علمای برجسته و مراجع تقلید بزرگ شیعه بود که در کاشان متولد شد و تحصیلات دینی خود را نزد پدرش و سپس در اصفهان و تهران تکمیل کرد. پس از دوران تدریس و قضاوت در تهران، به نجف هجرت نمود و در حوزه درس آنجا جایگاه علمی و مذهبی والایی یافت. وی علاوه بر تسلط فراوان در علوم فقه، اصول، حکمت، ریاضیات و حدیث، به اخلاق زاهدانه و بخشندگی شناخته می‌شد و در مبارزه با استعمار انگلیس در عراق نقش فعالی ایفا کرد؛ از جمله صدور فتاوای قضاوت در تهران، به نجف هجرت نمود و در حوزه درس آنجا جایگاه علمی و اجتماعی، در کاظمین وفات یافت و در همان‌جا به خاک سپرده شد. فرزند ایشان، سیدابوالقاسم کاشانی^[۲]، همچون پدر، از چهره‌های برجسته روحانی و مبارز سیاسی بود که در نهضت‌های استقلال‌طلبانه ایران و عراق نقش مهمی داشت. منابع: اعتمادالسلطنه، «المآثر والائات»، ص۱۶۰؛ سیدمحسن امین، «اعیان‌الشیعه»، ج۱، ص۱۲۷؛ محمد حرزالدین، «معارف‌الرجال»، ج۳؛ مدرس تبریزی، «روحانة الادب»، ج۵؛ آقابزرگ تهرانی، «الذریعه»، ج۱۷ و سایت فرهیختگان تمدن شبکه.